



عنوان	الگوی توسعه و چالش‌های کشاورزی چین
سخنران	دکتر محمدحسین عمادی (مشاور وزیر جهاد کشاورزی و مدرس مراکز علمی تحقیقاتی کشور چین)
اعضای پنل	دکتر فریدون وردی‌نژاد (سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در چین) دکتر علی کیانی‌راد (معاون پژوهشی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی)
تاریخ برگزاری: ۹۵/۱۰/۰۶	

فعالیت کشاورزی و زندگی روستایی در تاریخ چهار هزار و پانصد ساله چین همواره از ارکان اصلی اقتصاد، سیاست، فرهنگ و حیات اجتماعی این کشور بوده است. بسیاری بر این عقیده‌اند که کشاورزی در چین یک شیوه تولید نیست بلکه یک شیوه معیشت است.

روند تحولات و تاریخ توسعه کشاورزی

روند تحولات و تاریخ توسعه کشاورزی در چین را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد. در دوران قبل از انقلاب کمونیستی (دوره اول)، تمامی سلسله‌های امپراطوری چین، همواره بر رونق کشاورزی در تمامی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فنی تاکید داشتند. در نظام امپراطوری با مدیریت عقلایی و مقتدرانه، روابط حقوقی و اجتماعی کشاورزان و روستائیان تنظیم و برای حمایت از کشاورزان و کاهش ریسک و معضلات کشاورزی روش‌هایی همچون ساختن سیل‌بند برای کنترل سیل استفاده می‌شد. تراکم جمعیت و محدودیت منابع آب و خاک سبب شد که دانش و فن‌آوری بومی در زمینه‌های کاشت، داشت، برداشت، فرآوری محصولات، خاک‌ورزی، کنترل سیل و مقابله با خشکسالی در روستاهای چین بوجود آید.

سیستم برابری و بدون رقابت، خلاقیت، تولید و بهره‌وری در کمون‌ها،
اقتصاد کشاورزی چین را با رکودی بی سابقه رو به رو ساخت؛
به طوری که در پایان دهه ۶۰، چین از جمله کشورهای فقیر جهان به
شمار می‌رفت.

پس از پیروزی انقلاب کمونیستی تا اواخر دهه ۷۰ (دوره دوم)، با الگوبرداری از برنامه‌های توسعه‌ای اتحاد جماهیر شوروی، اراضی کشاورزی مصادره و ملی شد و کمون‌های کشاورزی به عنوان کانون‌های تولید تشکیل گردید. روستائیان در چارچوب کشاورزی معیشتی با منابع محدود آب و خاک به زراعت می‌پرداختند و در ازای آن غذا دریافت می‌کردند. سیستم برابری و بدون رقابت، خلاقیت، تولید و بهره‌وری در کمون‌ها، اقتصاد کشاورزی چین را با



رکودی بی سابقه رو به رو ساخت؛ به طوری که در پایان دهه ۶۰، چین از جمله کشورهای فقیر جهان به شمار می‌رفت. فاجعه انسانی که

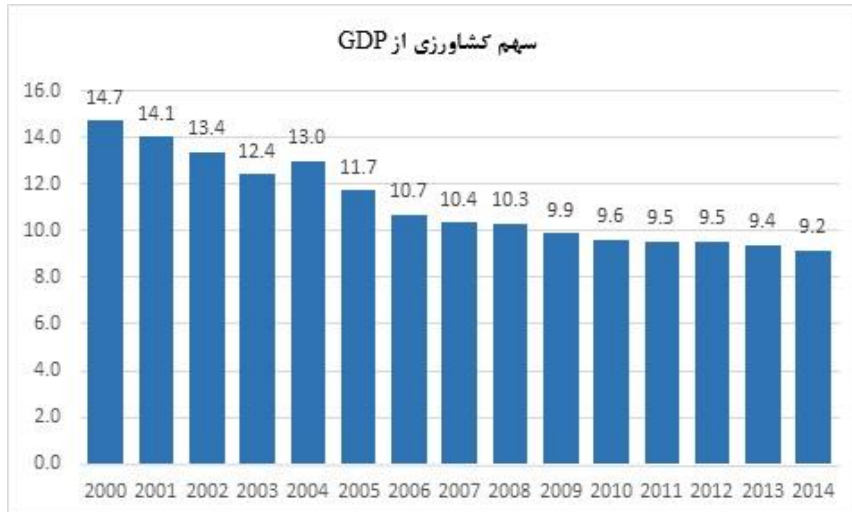
در پی خشکسالی سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ و مدیریت ناصحیح تحولات اقتصادی (به نام جهش به جلو) بوجود آمد به مرگ میلیون‌ها چینی منجر گردید و رهبران انقلابی را نسبت به صحت روش و نگرش خود به تأمل واداشت.

از سال ۱۹۷۹ (دوره سوم) حزب کمونیست سیاست اصلاحات را در پیش گرفت. در این دوره تغییرات بنیادی در سیاست‌های اقتصادی نه تنها مسیر سیستم اقتصادی و سیاسی، بلکه نظام کشاورزی و زندگی روستایی چین را به کلی دگرگون کرد. کمون‌های روستایی جای خود را به سیستم اجاره‌داری زمین داد، تعاونی‌های خانوادگی و شرکت‌ها تشکیل شد و از این طریق تولید محصولات کشاورزی به شکلی فزاینده افزایش یافت. همزمان با تحول در

چین راهی را که دیگر کشورها در یک قرن طی کرده بودند، در عرض ۲۰ سال (۲۰۰۰ - ۱۹۸۰) پیمود. در این مدت، کیفیت زندگی مردم چین ۲۲ برابر بهتر شد، درآمد سرانه روستاییان ۵۴ برابر افزایش و شمار جمعیت کم درآمد از ۵۳ درصد به ۸ درصد کاهش یافت.

کشاورزی، صنایع کوچک در مناطق روستایی شکل گرفت و از یک سو باعث افزایش درآمد روستاییان شد و از سوی دیگر مبنای رشد صنایع متوسط ملی قرار گرفت.

بدین ترتیب چین راهی را که دیگر کشورها در یک قرن طی کرده بودند، در عرض ۲۰ سال (۲۰۰۰ - ۱۹۸۰) پیمود. در این مدت، کیفیت زندگی مردم چین ۲۲ برابر بهتر شد، درآمد سرانه روستاییان ۵۴ برابر افزایش و شمار جمعیت کم درآمد از ۵۳ درصد به ۸ درصد کاهش یافت. در سال‌های اخیر سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی چین کمتر از ۹ درصد است اما ارزش تولیدات کشاورزی این کشور در سال ۲۰۱۵ به بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار رسیده است.



روند اصلاحات کشاورزی

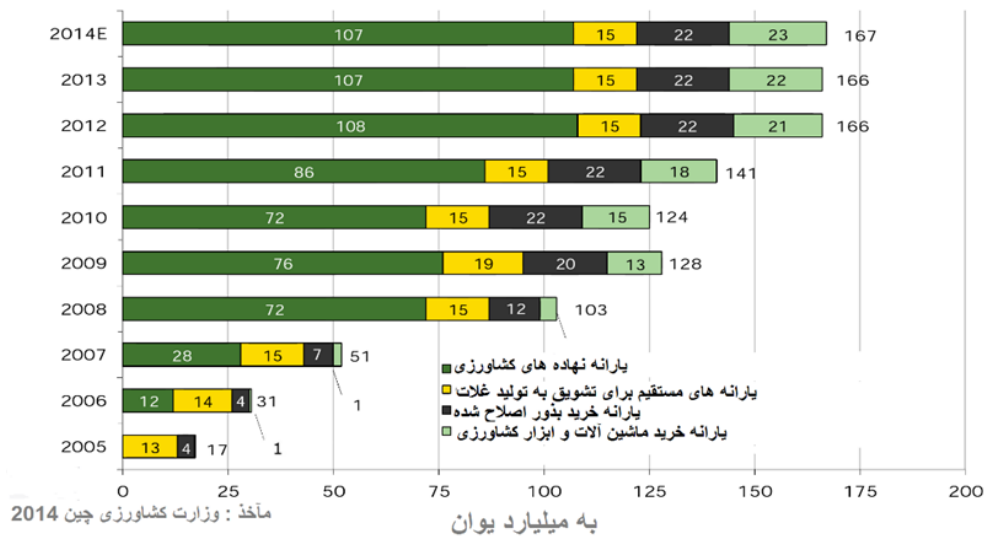
ویژگی بسیار مهم روند تحولات کشاورزی در دوران پس از اصلاحات اقتصادی، سرعت و وسعت تغییرات آن است که شاید در تاریخ بشریت با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نباشد. این دوران به چهار مرحله دسته‌بندی می‌شود. در مرحله اول (۱۹۹۰-۱۹۸۰)، تولید ناخالص ملی دو برابر شد و مسئله سوء تغذیه و تامین غذا و لباس در سطح ملی برطرف گردید. در مرحله دوم (۲۰۰۰-۱۹۹۱) تولید ناخالص ملی سه برابر افزایش یافت. این افزایش، زمینه را برای ارتقای زندگی مردم چین به سطح متوسط فراهم و سرمایه ملی برای رشد سریع اقتصادی را تامین کرد. در مرحله سوم اصلاحات (۲۰۱۰-۲۰۰۱)، مدرنیزه شدن اقتصاد ملی و کشاورزی مورد توجه قرار گرفت و برنامه کاهش شکاف درآمد روستا و شهر، تاکید بر بهبود تحقیقات و فن‌آوری کشاورزی از اصلی‌ترین اهداف بود. در مرحله چهارم اصلاحات (۲۰۲۰-۲۰۱۱) نیز افزایش درآمد روستاییان از طریق افزایش بهره‌وری، تحول در سیاست‌های بازار و قیمت‌گذاری، کاهش ریسک و مخاطرات کشاورزی از طریق بیمه، اجرای پروژه‌های بزرگ آبیاری، رعایت مسائل زیست محیطی و توسعه بازارهای بین‌المللی برای محصولات و خدمات کشاورزی مورد توجه جدی قرار گرفت.

یارانه

تخصیص یارانه توسط دولت برای حمایت از بخش کشاورزی و جامعه روستایی در چین مطابق با تعالیم کنفوسیوس، فرهنگ مخالفت با گداپرووری و بسیار هدفمند و برنامه‌ریزی شده است. دولت با پرداخت یارانه بر نهاده‌های کشاورزی، اهدافی چون افزایش بهره‌وری از طریق به‌کارگیری نهاده‌های با کیفیت و ایجاد انگیزه برای گرایش کشاورزان به استفاده از این نهاده‌ها را دنبال می‌کند.



سهم دولت چین در حمایت از بخش کشاورزی



این یارانه ها به خرید نهاده های بیولوژیک (شامل بذر و نهال اصلاح شده) که بیشترین بازدهی را به همراه داشته است، نهاده های شیمیایی (شامل کود، سم و علفکش ها) و ماشین آلات و ابزار کشاورزی اختصاص می یابد. در تخصیص یارانه به ماشین آلات کشاورزی، اصل تناسب ابزار و ماشین آلات با مواردی همچون درآمد مزرعه دار، اندازه و شرایط محیطی مزرعه در نظر گرفته می شود. علاوه بر آن، برای تامین امنیت غذایی مردم چین، سالانه مبلغ ۱۵ میلیارد یوان یارانه مستقیم برای تشویق به تولید غلات پرداخت می گردد.

چالش های پیش روی توسعه کشاورزی

دولت چین در حوزه تدوین استراتژی و سیاست گذاری با پنج چالش عمده روبه رو است. کیفیت و سلامت مواد غذایی دغدغه اصلی و کنونی دولت است و برای این منظور کنترل و نظارت های متعدد بهداشتی و تغذیه ای نسبت به کیفیت محصولات در سطح ملی صورت می گیرد.

یکی دیگر از مشکلات پیش روی دولت، موانع ساختاری اجتماعی و سیاسی در افزایش واحدهای تولیدی زراعی و یکپارچه سازی زمین های کشاورزی است. از این رو به کارگیری برنامه ریزی متمرکز و "اقتصاد مقیاس" (که در بخش صنعت و خدمات اصلی ترین برگ برنده اقتصاد چین می باشد) در بخش کشاورزی با چالش جدی مواجه است.



نگرانی دیگر، بیکاری قشر وسیعی از نیروی کار جامعه روستایی و در نتیجه تشدید فقر و افزایش شکاف طبقاتی در جامعه روستایی بر اثر کاربرد گسترده مکانیزاسیون کشاورزی است. تعارض میان پدیده مکانیزاسیون کشاورزی و سالمندی کشاورزان از یک سو و خروج نیروی انسانی جوان و توانمند از بخش کشاورزی و هجوم آنها به مراکز صنعتی و مشاغل خدماتی از سوی دیگر، آینده بخش کشاورزی را با مخاطره کمبود نیروی توانمند و کارا روبه رو کرده است.

چالش چهارم، ادامه تامین یارانهها برای حمایت از بخش کشاورزی و پرداختن به مسئولیت اجتماعی دولت در حفظ جامعه روستایی می باشد که سهم بزرگ آن در بودجه ملی، دولت را در تنگنای جدی قرار داده است.

طبق آمار، کشاورزی در چین به عنوان عامل دوم آلودگی محیط زیست بعد از صنعت شناخته شده است و از سوی دیگر کاهش استفاده از منابع اولیه (مانند آب و خاک) برای حفاظت از محیط زیست می تواند منجر به کاهش تولید، تامین غذا و درآمد کشاورزان شود. بنابراین، تناقض میان "تامین غذای سالم" و "حفظ محیط زیست" چالش بنیادی پنجم دولت چین در فرآیند توسعه کشاورزی در سطح ملی محسوب می شود.

دولت با تکیه بر توان مدیریتی و کمیته های تخصصی حزب کمونیست و توان تخصصی کارشناسان دولتی که در کلیه سطوح مدیریتی از روستا تا پایتخت حضور دارند در تلاش است که با احتساب تنوع اقلیمی و جغرافیایی کشور برای این چالش ها، راه حل های جامع و هماهنگ اتخاذ نماید. در این راستا، چالش ها به سه سطح حاکمیتی، مدیریتی و فن آوری تقسیم و سیاست های اصلاحی در هر یک از این سطوح تعیین شده که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱. رعایت اصل تنوع و تکثر (جغرافیایی، اجتماعی و اقلیمی) و دوری از تصمیمات متمرکز و سراسری در حوزه کشاورزی و توجه به جامعه روستایی از وجوه مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی



۲. دقت و جدیت در اعمال شاخص‌های محیط زیستی و بهداشت تغذیه، همراه با راهنمایی و ارائه راه‌حل به کشاورزان
۳. اتکا به تشکلهای بخش کشاورزی و نهادهای مردمی و بخش خصوصی
۴. سوق دادن سرمایه‌های داخلی و بین‌المللی به بخش کشاورزی
۵. کاربردی نمودن دانشگاه‌های کشاورزی (در سطح استان و شهرستان) و ارتباط هر چه عمیق‌تر و بیشتر آن‌ها با کشاورزان و بهره‌برداران این بخش
۶. تاکید اصلی بر اصل بهره‌وری در کشاورزی از طریق سرمایه‌گذاری فراوان در بخش تحقیق و توسعه کشاورزی و تسریع در گسترش فن‌آوری‌های متناسب از طریق شیوه‌های جدید و کارآمد تحقیق آموزش و ترویج کشاورزی
۷. تشویق فرآیند یکپارچه سازی اراضی در مناطق فاقد امکان تامین معاش جایگزین برای کشاورزان در بخش‌های صنعت، خدمات و گردشگری
۸. ادامه روند اجرای سیاست‌های حمایتی از جامعه روستایی و تخصیص یارانه‌های موثر به منظور کاهش ریسک و آسیب‌ها به گروه‌های نیازمند حمایت
۹. جهانی کردن اقتصاد کشاورزی از طریق توسعه کشاورزی فرامرزی و کاهش فشار بر منابع از طریق مهاجرت کشاورزان به خارج از مرزها

زمینه‌های همکاری و مشارکت بالقوه بین ایران و چین

در فرآیند توسعه و مواجهه با معضلات بخش کشاورزی می‌توان درس‌های حاکمیتی چین را فرا گرفت. در بهبود نظام مدیریتی بخش کشاورزی و کارآمدتر نمودن سازمان‌های موثر در توسعه کشاورزی با تاکید بر تقویت بخش خصوصی، تشکلهای مردمی بخش کشاورزی و واگذاری امور تصدی‌گری به آن‌ها می‌توان از تجارب این کشور بهره‌مند شد. جذب سرمایه شرکت‌ها و موسسات چینی به بخش کشاورزی ایران به تحول فن‌آوری و ورود سرمایه به پیکر فرسوده بخش کشاورزی ایران کمک خواهد کرد. با استفاده از فن‌آوری‌های به‌کارگرفته شده در چین، در مناطقی با اقلیم مشابه می‌توان بهره‌وری را افزایش داد. در این راستا توجه به موضوعات زیر دارای اهمیت می‌باشد:

- مواجهه با بحران آب، خشکسالی و ارتقای بهره‌وری آب (توسعه گلخانه‌های ارزان، بهبود نظام آبیاری و ...)
- بهبود فن‌آوری بیولوژیک (بخصوص اصلاح بذر و بهبود خاک) و تحول در ماشین‌آلات متناسب کشاورزی
- انتقال فن‌آوری‌های مرتبط با مدیریت محیط زیست و پسماندهای کشاورزی در بخش دامداری‌های بزرگ
- استفاده از روش‌های آموزشی و ترویجی و همکاری‌های دو جانبه به منظور بهبود سیستم تحقیقات، آموزش و ترویج در مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌های کشاورزی ایران

